

فلسفه تاریخ

شاعر بریان

-۴-

فرانسوا آرنه و یکونت دوشانو بریان (۱۷۶۸ - ۱۸۴۸) منسوب بیکی از فامیل های قدیم بریطانیا و شخصاً فرانسوی می باشد این شخص چندی با مریکا و انگلستان سیاحت و واپس وارد فرانسه گردیده در اوقات رستوراسیون به مرتبه سفارت و وزارت نائل شد و سپس راجع به سیاست و تاریخ آثاری نوشت و خاطراتی از خود باقی مانده بعد از ۱۸۳۰ منزوی گردید تا اینکه مرد. مسلک تحریر او :

چون شاتو بریان یک شخص بی صبر ، خودبین ، خیال پرست ؛ سودائی و مغرور بود ازین جهت در تمام نوشته جات او شخصیتش را نمیتوان حدس زد و هر چه نوشته تماماً سوپرکتیف است این محرر چون دارای قوه زیادا بتکار بود لذا کتب بسیار مهمی نوشته و چون نمی خواست تنها او را یک نویسنده رومانیک بخوانند لذا در دو رومان خود وقتی می خواهد از کاتولیک ها مدافعه کند مسائل اخلاقی ، حسی ، بدیعی را طوری در آن گنجانده که تصور میرود هم یک عالم اخلاق و هم یک عالم نفس و هم فیلسوف بدایع است و پس از آن چند کتب دیگر با سما و عناوین مختلفی نوشت .

کارا کتر سجنیه مخصوص او از تمام منسوبین مسلک رومانیک این است که تا آن وقت هیچ نویسنده در اروپا یافت نمی شد که بتواند مثل او در نوشته جات منشور احساسات خود را که از خرابه ها و دشت ها و جنگلها و بالاخره

اقوام غیر متمدن در او تولید میشود بر روی صفحه کاغذ رسم کنند، اسلوب تحریر او از جنبه طلاق و احترام نظیر ندارد در نوشته جات او چنان اسراری وجود دارد که انسان را بی اختیار مجذوب می دارد بالاخره این فرد را پدر تمام ادبیات رومانتیک فرانسه نام می گذارند ازین باعث در تطبیق اجتماعیات و ادبیات و با ادبیات تطبیقی شاتو بریان موقعیت بلندی دارد.

سروالترسکات

این نویسندگانی که حیثیت ایجا در رومان تاریخی، هم بد و عاید می شود در ۱۷۷۱ در ادیم بورگ متولد و در اثنای جوانی ذوق شاعری در او تولید شده اولاً مجموعه شعری بنام مجموعه عاشقان و بعد از آن چند منظومی راجع به خطوط اساسیه رومان تاریخی نوشته متعاقباً یک سلسله رومان های تاریخی تحت عنوان (واوراله) نگاشت و بعد از آن وقتیکه وارد لندن شد کتب ایوانو و و که نیلو ورت و کوئنتمین دور ورد و چند کتاب دیگری را که از آنها در تواریخ ادبیات نام برده اند نوشته و بالاخره در ضمن تالیفات دیگری که مد نظر داشت در سنه ۱۸۳۲ مرد.

سروالترسکات اوضاع محیط های اجتماعی و حیات فامیل هارا بصورت بسیار استادانه تصویر نموده و اصول های جدیدی را که تاریخ ادبیات همیشه آن را قید خواهد کرد طرح نمود گرچه اصول انشای رومان های او ناقص بوده اهمیت تاریخی ندارد و اصول های علم النفس که در آن بکار برده شده، هم چندان طرف اعتنائیست ولی از جنبه اینست که آن رومان ها دارای جاذبه و تصویر کننده احساسات بشری بوده بسیار طبیعی، به نظر می خورد و رغبت آور می باشد و نویسندگانی هارا بسوی خود جلب و همه را طرف دار سبک او نموده بود. مخصوصاً در کتاب بیگانه تحت عنوان کس و نیک راجع به سلطنت شارل (۹) نوشته و کاملاً تصویر کننده سبک مخصوص او می باشد بسیار دارای اهمیت شده بود.

امتیازیکه رومان تاریخی این نویسندگانی از رومان های دیگر داشت اینست که وقایع را طوری ایجاد می نمود که گویی کاملاً حقیقت دارد زیرا از هر دوره که

می خواست بنویسد اولاً به قهرمان آن عرف و عادت همان دوره را داده قیافه او را طوری نشان می داد که اهالی آن زمان در همان دوره آن قیافه را دارا بودند اینک اصول و غایب را که رومان تاریخی تعقیب کرده و نهایت گنایابی آن را به انجام رسانده بود همین است که افتخار ابتکار آن تنها به سر و آلت سگات عائد بوده نویسنده های دیگر بکه بعد آن درین زمینه چیزی نوشته اند مقلدین و معاقبین او بحساب میروند .

ویلهم شهله گل :

این شخص که در سنه ۱۷۶۸ تولد و در سنه ۱۸۴۵ مرده است اولین فرد رومانیک آلمان بوده پدر رومانیک های آن مملکت نامیده می شود این شخص زیاده تر از داریائی صنعت ابتکار هم منقد و هم مورخ ادبیات و هم شاعر بوده است و بیک قسمت از زندگی خود را محضاً صرف تحریر و تتبع به آثار نویسنده های دوره رنسانس ایتالیا ، اسپانیه ، پرتگال نموده آثاری که دران زمینه نوشت بسیار مقبول واقع شد .

سبک تحریر این نویسنده دارای خصوصیتی می باشد که اسلاف مذکور همان خصوصیت را دارا نبودند چه وقتی انسان آثار این مجرر را می خواند بی اختیار بچیز های منتقل می شود که همه و همه دارای جنبه ایقاز و انتباه است و طوری مفهوم و طینت را در ضمن نوشته جات خود بخواننده تلقین میکنند که اکثری از معاصرین او را افسونگر نام داده بودند (۱)

این عواهل ثلاثه که زمینه ملیت را طرح و ملل را بندگان بندگان بر آن داشت تا ملیت های خالصی را که بدون شائبه باشد برای خود اتخاذ کنند عبارت از بیک جریان دید اجتماعی بود که در تحت تاثیرات سیاست انجام داده می شد . این جریانات شدید اجتماعی و سیاسی بجدی کسب اهمیت کرد که تمام طبقات ملل چه ادبا و نویسندگان چه علما و فلاسفه چه مصلحین و سیاسیون

(۱) این مبحث را کتبه کرده از کتاب تاریخ مدنیت تالیف سه نیو بوس و کتاب تاریخ ادبیات اروپا تالیف وان نیگم و تاریخ قرون اخیر تالیف علی رشاد افندی جمع و اختصار نمودم .

همه و همه را وادار کرد تا ازین جریان سهمی گرفته هر کدام مطابق ذوق و سلیقه و بالاخره اقتدار و صلاحیت خویش داخل عمل کردند همان بود که ادبا و نویسندگان از روی احساسات شخصی و علما و فلاسفه باتکای دلائل و براهین عقلی و فلسفی و علمی، مصاحبین و زمام داران از راه نفوذ و اقتدار مادی و معنوی خودها موضوع ملت و ملیت را تعبیر هائی کردند که اکثراً جنبه نفسی و ذهنی (سوپرکتیف) داشت مثلاً علمای لسان به تصنیف السنه و علمای نسب شناسی مشغول تطبیقات قوانین مقایسه وی، جمجمه ها و علمای اجتماع جهت اثبات و امتیاز ملیت های معروف جمع نمودن و نائق تاریخی شدند تا اینکه در آلمان فور مولی را طرح کردند که مبنی بر فائزیت اهالی شمال اروپا بود و متعاقب آن پرفیسور کینس انگلیسی این نظریه را در کتابیکه تحت عنوان « اساس های عرقی مدنیت » نوشته بود تردید نموده اثبات کرد که مدنیت یک موضوع بین المللی بوده هیچ ملتی نمی تواند آن را مال خالص خود بداند بهر حال این رویه درام داشت تا نیمه اخیر قرن ۱۹ : در نیمه اخیر قرن مذکور مسائل اتحادات و انتلافات شدت کرده موضوع مهم پان جرما نیزم یعنی اتحاد عرق جرمن و پان اسلا و نیزم یعنی اتحاد عرق اسلاو روی کار آمده سبب قضایای مهمه گردید که بعد از سنه ۱۸۲۰ در تحت عنوان حوادث (بین یونان) حرب، رومانی، بلغار و امپراطور عثمانی و سجارستان و بوهیمیا و خروانسان و آستریا و آیرلیند و انگلستان بلژیک و فلمنگ و پولونیا و روسیه تزاری در تاریخ های عمومی خوانده میشود (۱) شاید زیاده ازین در تفصیل دادن این موضوع اجتماعی نباشد زیرا وقائیکه در خلال این او ضاع در اروپا روداد تاریخ قرون اخیر آن را ثبت نموده و صرف چیزیکه درین مورد تازه برای (محیط ما) به نظر برخورد عذل و موجبات مسئله بود که تصور میکنم تا کنون هیچ تاریخی را در اروپا مثل سلسله تاریخ مد نیت سه نیوبوس درین گونه موضوعات اصول

(۱) تاریخ مدنیت جلد ۳ تالیف سه نیوبوس ترجمه احمد رفیق افندی .

تحلیل و ترکیب را که خاصه تاریخ نگاری این عصر است رعایت نکرده باشد ازین جهت علل و اسباب اولیه را تا جائیکه از تاریخ مذکور مناسب دانستم نوشتم حالا میروم تا نتایج این بحران های شدید را فقط تنها از زاویه تاریخ نگاری مطالعه کنم:

نتایجیکه این جریانات به مورخین ارمغان آورد :

شاید اجازه داشته باشم بگویم هر حرکتی که در اجتماع از روی فکر و عقیده واقع می شود يك عده عقده های را که در نزد اسلاف لاینحل بود می کشاید ، جریانات اخیر قرن ۱۹ و تکاملاتی که در صنایع ، تجارت ، و سائل سفریه و ... اخیراً رو داده چنانکه تمام شعب حیاتی انسان هاراسر و صورت درستی بخشید بهمان درجه شعور تاریخ و یا تاریخ نگاری را هم از مجرای قدیم او منحرف نموده لباس دیگری با و پوشانید ، درین وقت علوم اخلاقیه که در اطراف حادثات اخلاقیه انسان ها مصروف تحقیقات شد بر روی کار آمده السنه ، کتب ، قوانین و نظامات ملل را تحت اصول معینی زیر تحقیق و مذاقه گرفت ، این کار اولاً از طرف علمای فرانسه دست زده شده سپس علمای دارالفنون آلمان از ایشان تاسی کردند تا اینکه اولاً ریشه السنه هندی و ایرانی را کشف و بعد از آن بالسنه و ادیان یونان و لاتین مقایسه نموده علم لسان را (مقایسه) اساطیر تاسیس کردند و فهمیده شده که السنه بصورت تصادفی تشکیل نشده بکی دیگر ارتباط دارد و قوانین ارتباطیه آنها بسیار منظم می باشد ولی (صرف) السنه در آنوقت عبارت از يك عده قوا عدی بود که چندان انتظامی نداشت لهذا دو نفر عالم موسوم به گریم و یوپ را امر را بصورتی منظم کردند که بتواند منشاء و تبدل السنه را ایضاً و آن را بصورت علم در آرد و شخص دیگری که مسمی به هومبولد بود علم لسان را تاسیس و السنه تمام اقوام را در زیر يك اصول علمی در آورد (۱)

(۱) تاریخ مدنیت جلد ۳ صفحه ۵۳۲ تألیف سه نیوبوس و صحف مختلف کتاب منطقی تالیف

بعد از آن تحقیقات لسانی تحت همین اصول روز بروز کسب وسعت نموده تا اینکه اخیراً ائسون کاهون فیلولوگ معروف فرانسه در نتیجه تحقیقاتی که به‌السنه آریا نموده بود آن را مرتب و بطور نمونه چند مثال آن را در مجمع علم لسان فرانسه بطور کنفرانس ایراد و اثبات نمود که لسان فرانسه هم چون از بعضی جهات مشتق از لسان اهالی قدیم بومی آسیای وسطی است لهذا دور از امکان نیست که منشعب از لسان آریا باشد (۱) همچنان علمای نیمه‌اخیر قرن ۱۹ اروپا در ضمن تاسیس شعب دیگر علوم در پی احیای تاریخ نیز افتادند و همان اصول قدیم تاریخ نگاری را که تنها به نقل وقایع اکتفا می‌شد در تحت يك اصول معینی که حاوی علل و اسباب تبدلات جمعیات بشریه باشد در آورده آغاز به تحقیقات تاریخ کردند و درین زمینه پیش آهنگ علمای لسان شناسی آلمان بوده اند این علما چنان قاعده‌ای که بتوانند از روی آن تحقیقات درست علمی و فنی در تاریخ بنمایند وضع و برای تصحیح متن تواریخ يك اصول دیگری که آن را اصول تنقید نام می‌گذارند نیز تاسیس کردند و چون این اصول تاریخ نگاری مستلزم چنان موادی است که تاریخ را و ثنقت کاملی بخشد. لهذا برای تهیه مواد مذکور اولاً در یونان و ایتالیا و مصر و آنور آغاز به حفاریات نمودند تا باشد که از خرابه های قدیمه برای نگارش تاریخ ایشان و تائفیکه موثوق دانسته شود بیرون آید و بعد از آن آغاز به تحقیقات بزرگ گانی جماعات انسانی از روی قوانین اجتماعی که تا آن وقت در دسترس نداشتند (ولوا اینکه نامکمل بوده است) نمودند و همین است حقوق تاریخیه، سیاست تاریخیه، تاریخ اقتصادیه میدان بر آمده درین حال میتوان مدعی شد که قرن ۱۹ عادتاً يك قرن تاریخ بوده است (۲)

(باقیدارد)

(۴ - قدیر تره کی)

۱ از کتنگت های متعلقه نگارنده که از طرف روشن اشرف افندی ترجمه و در دوشماره روز نامه جمهوریست تورکستان نشر شده بود.

۲ آدابته از صحایف متعدد تاریخ مدنیت جلد مولفه شارل سه نیو بوس.